

رونمایی از کتاب

نویسنده بدون حضور او



در این ستون درباره دو نشست ادبی که این هفته برگزار می‌شود، اطلاعاتی به شما می‌دهیم. نشست اول یک ویژگی خاص دارد، کتاب نویسنده‌ای قرار است رونمایی شود که خودش چند ماه قبل از این جهان رخت برپسته است. مراسم رونمایی از کتاب «در جنگل بلوط» نوشته زنده‌یاد مجتبی گلستانی همزمان با زادروز این نویسنده، روز پنجشنبه ۴ آذر از ساعت ۱۸ تا ۲۰ به همت نشر کتاب فانوس با همکاری کتابفروشی فرهنگستان قریب برگزار می‌شود. مجتبی گلستانی که ۲۸ تیرماه بر اثر ابتلا به کرونا در ۴۰سالگی درگذشت، سال گذشته (مهرماه ۱۳۹۹) در مصاحبه‌ای که در پایگاه شهرکتاب منتشر شده‌است، درباره این‌که چه چیزی بیشتر از همه او را در ادبیات تحت تأثیر قرار می‌دهد، به این کتاب اشاره کرده و گفته‌بود: «با ادبیات، بیشتر درگیر تجربه انضمامی زندگی می‌شوم. از تلخ‌ترین ویژگی‌های زمانه ما شاید تجربه انزوای روزافزونی باشد که همه‌مان را تا مرز خفقان و خفگی پیش برده. و این انزوا، این تک‌افتادگی، آدمی را از ساحت واقعی جهان و زیستن دور می‌کند، از باقی انسان‌های گوشت و خون‌دار؛ ادبیات، یعنی اختصاصا شعر و رمان و نمایشنامه، کمکم می‌کند به زندگی برگردم، خودم را در خیابان حس می‌کنم، مشغول حرف زدن با آدم‌ها. گاهی رمانی، شعری، سطر، راهی جاده و جنگلم می‌کند. و البته کمکم می‌کند به قول لوییناس، به «دیگری»ام فکر کنم، او را انتظار بگشتم، برای بودنش، برای آمدنش خیالباقی کنم. به ویژه وقتی خودم می‌نویسم، وقتی خودم به کلمات پناه می‌برم، نگاه عزیز و ناب این دیگری خاص را حس می‌کنم و حرف‌هایش را می‌شنوم... بخشی از اینها را، این عاشقانه‌ها را، این دغدغه برای دیگری را، در کتابی نوشته‌ام که به‌زودی از سوی نشر کتاب فانوس منتشر می‌شود، به نام در جنگل بلوط جان کلام این است که ادبیات به من امید و معنا می‌بخشد.» کتابفروشی فرهنگان قریب در خیابان آزادی، خیابان دکتر قریب، پایین‌تر از خیابان نصرت، نبش کوچه اولیا واقع است.

جشن امضای کتاب

«موهایم را دوباره خواهم بافت»

همان روز پنجشنبه، نشست دیگری هم در تهران برگزار می‌شود: نشست نقد و بررسی و جشن امضای کتاب «موهایم را دوباره خواهم بافت» اثر نازنین متین‌نیا که ساعت۱۵ با حضور ارسیا تقوا، اردشیر رستمی، یونس شکرخواه و نازنین متین‌نیا برگزار خواهدشد.

کتاب موهایم را دوباره خواهم بافت به نویسندگی نازنین متین‌نیا و با طرح‌هایی از اردشیر رستمی توسط انتشارات زیرفون منتشر شد. این کتاب مجموعه یادداشت‌هایی است از روزگار مبارزه با بیماری سرطان. نازنین متین‌نیا، روزنامه‌نگار و دبیر صفحه آخر روزنامه اعتماد بخشی از این یادداشت‌ها را در دوران بیماری در روزنامه اعتماد منتشر کرده و پس از بهبود، با اضافه کردن یادداشت‌هایی تازه این مجموعه را کامل کرده‌است. علاقه‌مندان برای حضور در این مراسم، می‌توانند به نشانی خیابان فرشته، خیابان فیاضی، بعد از چناران، پلاک ۵۰، مجتمع فرهنگان فرشته مراجعه‌کنند.

خبر

فروش ۱۰۰ میلیونی «منصور»

در شهرهای فاقد سینما

فیلم سینمایی منصور در فاصله ۱۰ روز از آغاز اکران‌های خود، توانست به فروش ۱۰۳میلیونی در شهرهای فاقد سینما در اکران‌های مردمی عمار دست یابد. از آغاز اکران فیلم منصور بیش از هزار درخواست برای اکران این فیلم در سامانه عماریار ثبت شده که تا به این لحظه ۱۲۰ ستانس اکران انجام شده و ۶۳۳۳ نفر به تماشای این اثر نشستند. علاقه‌مندان برای ثبت درخواست اکران فیلم منصور در سایت عماریار به نشانی Ammaryar.ir می‌توانند به اکران‌کنندگان مردمی این فیلم بپیوندند.

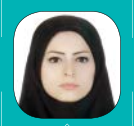
معرفی شورای دبیران جشنواره تجسمی فجر

اعضای شورای دبیران جشنواره تجسمی فجر انتخاب شدند که عبارتند از: محسن حسن‌پور در تصویرسازی، علی‌اشرف صندوق‌آبادی در خوشنویسی، سیدنظام‌الدین امامی‌فر در رسانه‌های هنرهای جدید، منیژه آرمین در سفال و سرامیک، مسعود نجابتی در طراحی گرافیک، محمد مهدی رحیمیان در عکاسی، سیدمسعود شجاعی عیاطبایی در کارکاتور، طاهر شیخ‌الحکامی در مجسمه، رضوان صادق‌زاده در نقاشی و امیر طهماسبی در نگارگری.



گفت‌وگو با بهمن ارک، کارگردان فیلم ترسناک «پوست»

از شر طلب عشق نکن!



ساناز قنبری

سینمای ایران در ژانر وحشت حرف زیادی برای گفتن ندارد و با این‌که معدود فیلم‌های ساخته‌شده در این ژانر با استقبال خوب مخاطبان روبه‌رو شده اما کمتر سالی است که دست‌کم یک فیلم با داستان ترسناک و معمایی روی پرده سینماها برود. با این حال بهمن و بهرام ارک، فیلمسازان جوان تبریزی در اولین فیلم بلندشان نه یک گام، بلکه یک جهش بلند به سوی موفقیت برداشتند و اثری کاملاً بومی به نام «پوست» ساختند که در سی‌وهشتمین جشنواره ملی فیلم فجر، با جلب نظر منتقدان و مخاطبان در هفت رشته مختلف نامزد شد و دو سیمرغ بلورین بهترین فیلم هنر و تجربه و بهترین موسیقی را از آن خود کرد. برادران ارک در پوست کوشیدند با روایت یک داستان فولکلوریک از آذربایجان در خلال آشنا کردن مخاطب با خرافات و آیین‌های مردم آذربایجان، رنگ و بویی از وحشت را به سالن‌های سینما بیاورند. به مناسبت اکران این فیلم در سینماهای سراسر کشور با بهمن ارک، کارگردان این فیلم به گفت‌وگو پرداخته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

نگاهی به موسیقی فیلم پوست

نسیم قاضی‌زاده
روزنامه‌نگار

آواهای جهانی دیگر

ساخت موسیقی‌ای برای فیلمی از جنس پوست‌کار هر آهنگسازی نیست. فیلمسازان هم خودشان این را بهتر از من و شما می‌دانند و به همین واسطه، به آهنگسازی چون بامداد افشار که تجربه‌گرایی در رگ و خون مدل آهنگسازی‌اش جریان دارد این شکل

سفارش‌ها داده می‌شود. او در کارنامه‌اش موسیقی فیلم‌هایی چون مغزهای کوچک زنگ‌زده، اعترافات ذهن خطرناک من و سینما شهرقصه را دارد که هر کدام شان تجربه‌ای است مجزا. او در هر کدام از آثار متأخرش کمترین روند تکراری را طی نکرده و در عین حال صاحب سبک خودش است. افشار از آن دست آهنگسازانی است که سالیان سال برای تئاتر موسیقی ساخته بود، طراحی صدا انجام می‌داد

و ورودش به سینما با ورود صداهای جدید به این رسانه همراه شد. پیش از او بسیار آهنگ‌سازانی بودند که نوآورانه موسیقی‌هایشان را روی تصاویر فیلم‌ها می‌آفریدند و بعد از مدتی دست از این کار کشیدند. نمی‌دانم چشمه جوشان خلاقیت بامداد افشار تا کی فعالیت می‌کند اما امیدوارم این نگاه کودکانه همچنان برای او باقی بماند.

متفاوتی است در سینمای ایران- با تمام تعاریفی که می‌توان از کلمه تفاوت داشت- موسیقی‌ای ساخته هم‌قواره خود فیلم، موسیقی، آواهای جهانی دیگر را دارد و در عین حال آنها را به صداهای محلی آمیخته است. موسیقی در پوست یک جریان صوتی سیال است، جریانی که از ابتدا تا انتهای فیلم گوش‌های مخاطبش را تنها نمی‌گذارد. فیلمی از جنس پوست که ژانری ماورائی و

در شرایطی که هفتمین دوره انتخاب و معرفی پایتخت‌کتاب ایران در

حال انجام است، موفقیت و دستاوردهای این طرح را بررسی کرده‌ایم

وقتی قرار نیست اتفاقی بیفتد



آذر مهاجر

ادبیات و هنر

داوری می‌شوند، چند شهر به مرحله نیمه‌نهایی راه پیدا می‌کنند و در نهایت یک شهر از میان همه شهرهای داوطلب انتخاب می‌شود.

امسال داوران بر اساس شاخص‌های ازپیش‌تعریفی‌شده پایتخت‌کتاب ایران پنج شهر را به‌عنوان نامزدهای نهایی معرفی خواهند کرد و در نهایت از میان شهرهای تبریز، ارومیه، شهرضا، نجف‌آباد، کرج، گناوه، سبزوار، سرپیشه، نهبندان، بجنورد، شیروان، سمنان، سراوان، خاش، اوز، صدار، سنجند، کرمان، رفسنجان، بم، منوجان، کرمانشاه، فومن، خرم‌آباد، آمل، نکا، بهشهر، چابهار، بندرعباس، بندرلنگه، ملایر، همدان، تفت، دزفول، خدابنده و خرم‌دره که به مرحله نیمه‌نهایی هفتمین دوره انتخاب و معرفی پایتخت‌کتاب ایران راه یافته‌اند، یک شهر انتخاب خواهد شد.

حالا سوال مهم این است: پایتخت‌کتاب ایران شدن برای هر شهر چه فوایدی دارد و این طرح چقدر موفق بوده‌است؟

اصل ماجرا چیست؟

انتخاب و معرفی پایتخت‌کتاب ایران از طرح پایتخت‌جهانی کتاب الگوبرداری شده‌است؛ طرحی که از سال ۲۰۰۱ به بعد اجرا می‌شود و بر اساس آن هر سال یونسکو شهری در جهان را به‌عنوان پایتخت‌کتاب معرفی می‌کند که برای تقویت جایگاه کتاب و کتابخوانی تلاش قابل‌توجهی کرده باشد. یونسکو با این انتخاب درواقع به تلاش‌ها و برنامه‌های شهر



وحید کیانی



عباس کرشی

تأثیر مثبت داشته باشند. البته که جذب سرمایه‌های موجود در بخش خصوصی، فرهنگی‌تر کردن فضای بخش‌های مختلف صنعتی - اقتصادی کشور، ترویج غیرمستقیم آینده‌نگری و برنامه‌ریزی در حوزه فرهنگ، حمایت از ایده‌های نو و ابتکاری در حوزه کتاب، تمرکززدایی از برنامه‌های حوزه فرهنگ و تقویت عدالت فرهنگی، طراحی برنامه‌های جذاب و مردم‌پسند در حوزه کتاب و در اصل ترویج کتابخوانی ازجمله اهداف این طرح بوده‌است.

سرنوشت پایتخت‌های کتاب چه شد؟

شهرهایی که یک سال فرصت داشتند به‌عنوان پایتخت‌کتاب ایران در صدر توجه قرار بگیرند، در بهترین حالت همان چیزی را به دست آورده‌اند که درباره نیشابور در ویکی‌پدیا نوشته شده‌است: «با انتخاب این شهر به‌عنوان پایتخت‌کتاب ایران، غبار از چهره شهر گرفته شد و جوهره وجودی آن برجسته‌تر گردید.» بسیاری از طرح‌ها و ایده‌های مرتبط با کتاب در پایتخت‌های کتاب ایران

به اعتقاد این فعال فرهنگی، تا زمانی که پیوست درستی برای شرایط کتاب در جامعه فراهم نشده‌باشد، پیچیده پایتختی کتاب جای بحث دارد. کیانی تأکید می‌کند: بهتر است خودمان را فریب ندهیم، پایتختی کتاب چه امتیازات ویژه‌ای دارد و چه نتایجی در زمینه فرهنگ از خودش بروز داده‌است؟ وقتی از کتاب حرف می‌زنیم از مفهومی گسترده، پیچیده و زیبا سخن می‌گوییم که فرصتی برای زندگی بهتر محسوب می‌شود اما اگر نتوانسته‌باشد به متن جامعه و خانواده راه پیدا کند، هر طرح و برنامه‌ای درباره‌اش بی‌ثمر محسوب می‌شود.

کیانی که خودش را یک شهروند محشور با کتاب می‌داند، تأکید دارد آنگاه که امکانات لازم برای ناشران فراهم نیست، کتاب در سید و سرانه مصرفی خانواده‌ها جایی ندارد و کارهای معطل و طرح‌های بدون بودجه بسیار است، نمی‌توان پایتختی کتاب را اتفاقی مؤثر دانست. او می‌گوید: من از انتخاب اهواز به‌عنوان پایتخت‌کتاب ایران فهمی نداشتم و حتی تعجب هم کردم. شاید مهم‌ترین اتفاق این بود که خوشحال شدم و بس! نیشابور به‌عنوان دومین پایتخت‌کتاب ایران هم از پایتختی کتاب ایران سود چندانی نبرده‌است. قرار بود یک کتابخانه در این شهر ساخته شود. این بار به جای یک فعال فرهنگی، حرف‌های